

سهم زبان فارسی در تدوین تاریخ و فرهنگ و تمدن هند

دکتر رضا مصطفوی سبزواری*

چکیده

در این جهان پهناور، زبان‌های گوناگونی یافت می‌شود؛ فرهنگ و تمدن، تاریخ و زبان ملت‌های مختلف از هم‌دیگر متأثرند. بی‌شک زبان فارسی از معدود زبان‌هایی است که بیش‌ترین تأثیر را در میان بیش‌ترین توده‌های مردم جهان (سرزمین پهناور هند) داشته و بر تمام مظاهر فرهنگی آن‌ها از جمله ویژگی‌های قومی، زبانی و تاریخی در طول هشت یا نه قرن اثر گذاشته است. منابع گوناگون مربوط به زبان پارسی فرهنگ ایران‌زمین شامل شعر و ادبیات و نقاشی و موسیقی و معماری و صحافی و تجلید و تذهیب و غیره، در مدت طولانی یادشده از تاریخ سرزمین هند، چنان فراگیر و عمیق بوده که بی‌شک به‌سختی می‌توان در تمام جهان زبان و فرهنگی را جُست که تا بدین پایه بر روی فرهنگ و تمدنی دیگر تأثیرگذار بوده باشد.

کلیدواژه‌ها: زبان فارسی، فرهنگ، تاریخ، هند.

مقدمه

مردم کشور هند اعم از هندو و مسلمان، همه از نژاد قدیم آریایی‌اند؛ بنابراین اشتراکات فکری و اندیشه‌های مشابه بسیار دارند. آن‌ها سال‌ها و به‌خصوص در دوره حکومت مسلمانان بر هندوستان به آرامی در کنار هم زیسته و روابط عمیق فرهنگی داشته‌اند. میان این دو همسایه‌ی مهربان، جنگ و نزاع و ستیزی نبوده است. دانش‌مندان فرهنگ‌مدار و هنرگستر امروز آن دیار نیز همواره کوشیده‌اند با ایرانیان این روابط فرهنگی و دوستی دیرینه را حفظ کنند.

جوهر لعل نهرو (۱۹۶۳-۱۹۸۹م)، سیاست‌مدار و نخست‌وزیر هندوستان (۱۹۶۳-۱۹۴۶)، که قانون اساسی هند در سال ۱۹۵۰ در زمان حکومت او تدوین شد، در کتاب کشف هند درباره ایرانیان چنین می‌نویسد:

«در میان مردمان و نژادهای بسیاری که با زندگی و فرهنگ هند تماس پیدا کرده‌اند و در آن نفوذ داشته‌اند، قدیمی‌ترین و مداوم‌ترینشان ایرانی‌ها بوده‌اند؛ در واقع روابط میان آن‌ها حتی پیش از آغاز تمدن هند و آریایی بوده است؛ زیرا قبایل هند و آریایی و ایرانیان باستانی هر دو از یک اصل و نسب مشترک جدا شده و راه‌های جداگانه برای خود در پیش گرفته‌اند. این دو ملت از نظر نژادی باهم پیوند داشتند.

مذاهب و زبان‌های قدیمی ایشان نیز زمینه‌های مشترک داشت. مذهب ودایی هند با مذهب زردشتی ایران وجوه مشترک فراوان دارد. زبان سنسکریت ودایی و زبان پهلوی باستانی که زبان اوستا بود نیز به یک‌دیگر شباهت‌های نزدیک دارند.»

جوهر لعل نهرو هم‌چنین در ادامه بحث روابط دیرینه ایران و هند می‌نویسد:

«این نفوذ ایرانی در هند مداومت داشت و در دوران‌های تسلط و حکومت افغان‌ها و مغولان^۲ در هند، زبان فارسی، زبان رسمی و درباری کشور بود و این وضع تا اوآن دوران تسلط بریتانیا هم ادامه داشت. تمام زبان‌های جدید هند از کلمات فارسی پُر است؛ بدیهی است این امر برای زبان‌هایی که فرزندان زبان سنسکریت هستند و به‌خصوص برای زبان هندوستانی که



مخلوطی از زبان‌های مختلف می‌باشد، بسیار طبیعی است؛ اما حتی زبان‌های
دراویدی جنوب هند نیز تحت تأثیر زبان فارسی واقع شده‌اند.^۲

باتوجه به مقدمه یادشده دربارهٔ قدمت روابط دو کشور کهنسال و فرهنگ‌مدار ایران
و هندوستان، بدیهی است که منابع کم‌شناخته‌شده بسیاری برای تدوین تاریخ فرهنگ
هند وجود دارد که ما در ادامه به گوشه‌هایی از آن‌ها برای نمونه اشاره می‌کنیم.

۱- یکی از مظاهر تمدن و فرهنگ هر قوم و ملتی، زبان آن ملت است که میزان و
اندازه اهمیت این تمدن و فرهنگ به میزان قدرت و غنای زبان آن‌ها بستگی دارد.
در سرزمین هندوستان ۱۴ زبان رایج وجود دارد که البته نشان‌دهنده پهنای
کشور و تعدد اقوام و ملت‌ها و فرقه‌های گوناگون آن‌جاست و عبارت است از:
هندی، اردو، هندوستانی، پنجابی، تیلگو، مراتی، تامیل، بنگالی، گجراتی، کاناری،
مالایالم، اوریای، آسامی و کشمیری.

زبان فارسی در همهٔ این زبان‌ها به نحوی کم‌وبیش تأثیر داشته و بسیاری از واژه‌های
زبان فارسی در تکمیل و اعتلای آن زبان‌ها مؤثر بوده است. خود دانش‌مندان فارسی‌دان
هندوستانی سهم زبان فارسی را در هر یک از زبان‌ها به‌طور جداگانه مورد پژوهش قرار
داده‌اند که اگر هم گاهی اصل آن واژه‌های دخیل را عربی دانسته‌اند، بی‌شک آن‌ها هم
واژه‌های مصطلح در زبان فارسی بوده و از زبان فارسی به زبان‌های هندی راه یافته است؛
نه این‌که به‌صورت مستقیم از عربی به زبان‌های رایج در هند راه یافته باشد. معدودی از
این‌گونه واژه‌های فارسی دخیل برای نمونه به شرح زیر ذکر می‌شود:

بندوبست، (= دفتر مالیات)، سپارش (= سفارش)، دیوان (= سروریز) خس و
خوشی (= خوش و خوشی)، اردو (= اردوگاه)، بهادر، سوار، سردار، لشکر،
درگاه، دربار، سرکار، گماشته (= گماشته)، شاه‌جاده (= شاه‌زاده)، دست‌خط
(نوشته، امضا)، پروانه (= نامه)، مهربان، شکار، آرام، خوب، کاریگر (= کارگر)،
گناه‌کار، شرم... و بسیاری واژه‌های دیگر که البته این‌ها مثنی است از خروارها.^۴

زبان اردو نه تنها از نظر واژگانی، بلکه از نظر صرف و نحو و دستور زبان نیز از فارسی تأثیر پذیرفته است. بی شک غنای زبان‌های گسترده هندوستانی از برکت ورود زبان فارسی به آن خطه پهنور بوده و به همین دلیل، زبان فارسی سهم بسیار زیادی در پربار کردن و مضمون‌سازی زبان‌های هندی دارد و از این رهگذر، در تدوین فرهنگ و تمدن هند سهم است؛ البته باید در نظر داشته باشیم که مفاهیمی که به واسطه الفاظ و واژه‌ها از زبانی به زبان دیگر منتقل می‌شود، خود انبوهی از موضوع‌های فرهنگی را نیز به همراه دارد که همه از مصادیق راستین تأثیر فرهنگی در فرهنگ دیگر به‌شمار می‌آید و در میان زبان‌های رایج یادشده در شبه‌قاره هند، زبان فارسی بیش‌ترین سهم را در ساختار زیربنایی زبان اردو دارد؛ تا آن‌جا که دانش‌مندان هندوستانی به دلیل همین پیوند استواری که زبان فارسی با اردو دارد، زبان اردو را «دختر زیبای فارسی» و آن را شعبه‌ای از زبان فارسی دانسته‌اند.^۵

۲- ادبیات زبان‌های رایج در ایالت‌های هند نیز سخت تحت تأثیر ادبیات فارسی قرار دارد؛ به نحوی که یکی از تجلیات مهم تأثیر معنایی و فرهنگی زبان فارسی در ساختار زیربنایی فرهنگ هندوستان شمرده می‌شود. مولانا عبدالسلام ندوی که شاگرد علامه شبلی نعمانی صاحب کتاب معروف *شعر العجم* بوده، می‌گوید: «شعر اردو وجود ظلی^۶ شعر فارسی است.»^۷ دکتر ابواللیث صدیقی یکی از محققان زبان اردو می‌نویسد:^۸

«شعر و ادب اردو تا حد زیادی مرهون منت فارسی است و این اثر به حدی وسیع و عمیق است که اغلب مردم، شعر اردو را پرتو شعر فارسی و درحقیقت زبان اردو را شاخه‌ای از زبان فارسی می‌دانند.» و بالاخره یک خاورشناس انگلیسی در این باره می‌نویسد: «ادبیات اردو که در زیر بال شعر فارسی پرورش یافت، از مادرخوانده خود، نظم و نثر، سبک و مضمون، بحر و قالب و شکل و قیافه را به ارث برده است.»^۹



حتی قالب‌های شعری در ادبیات فارسی، هم‌چون: غزل، مثنوی، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مسمط، مستزاد، مثنوی و حتی انواع شعر مانند شهرآشوب و مرثیه، همه به زبان اردو راه یافت و سرمشق شاعران در ادب اردو قرار گرفت؛ هم‌چنین تعبیرات شعری مانند: جام‌جم، خاتم سلیمان، خلخ، سمرقند، گل و بلبل، خانقاه، پیرمغان و صدها تعبیر شعری دیگر، از ادب فارسی به ادبیات اردو راه جُست و مورد استفاده شاعران ادب اردو قرار گرفت.

قافیه‌های شعری فارسی و هم‌چنین تقریباً تمام بحرهای عروضی فارسی مانند: بحر هزج، رَمَل، رَجَز، کامل، متقارب، متدارک، مضارع، مُجتث، سریع، خفیف، طویل و بسیط، همه و همه در ادبیات اردو به‌کار رفت و حتی صنایع شعری مانند: اشتقاق، تجنیس، حذف، ردالعجز علی‌الصدر و... از زبان فارسی به زبان اردو راه پیدا کرد. ضرب‌المثل‌های فارسی در زبان اردو کاربرد فراوان یافت. دکتر شهریار نقوی می‌نویسد:

«هزاران فقره و شعر از آثار ارزش‌مند فارسی مانند گیلستان، یوستان و غزلیات حافظ و امثال آن به‌منظور ترین کلام و زیور بیان به‌عنوان ضرب‌المثل - چه به‌صورت اصلی و چه به‌صورت ترجمه - مورد استفاده بسیار زیاد ادبا و سخن‌رانان اردو زبان قرار می‌گیرد.»

۳- از جمله منابع مهم در تدوین تاریخ و فرهنگ هند، کتاب‌های تاریخی مربوط به هند است که در آن دیار تألیف شده و بخشی از کتاب‌های بسیاری است که در دوره رواج زبان فارسی به‌وسیله فارسی‌دانان آن خطه نگارش یافته است. انبوه این کتاب‌های تاریخی که بسیاری از آن‌ها هنوز هم به زیور چاپ آراسته نشده و در گوشه کتابخانه‌های مختلف آن سرزمین خاک می‌خورد، می‌تواند سهم بسیار زیادی در تدوین تاریخ و فرهنگ هند کهنسال داشته باشند.

بسیاری از کتاب‌های تاریخ سرزمین هند را فارسی‌دانان تألیف کرده‌اند و این نشان‌دهنده تأثیر زبان فارسی در تدوین فرهنگ و تاریخ هند است که توانسته است تا بدین پایه در تدوین سیاست، کشورداری، تاریخ و جغرافیای هند و زندگی‌نامه حکمرانان آن‌جا

و سرانجام تحکیم مبانی فرهنگی، لااقل در محدوده‌هایی از دوره اسلامی - بدون استفاده از این منابع تاریخی فارسی - تأثیرگذار باشد؛ برای نمونه، در پایان این مقاله به حدود ۷۰ کتاب از کتاب‌های تاریخی فارسی مربوط به خطه هندوستان، هم‌چنین داستان‌های مربوط به آن‌جا که هر کدام به‌نحوی گوشه‌هایی از تاریخ هند را روشن می‌کنند، اشاره می‌شود؛ در ضمن یادآوری می‌شود که علاوه بر کتاب‌های تاریخی یادشده، نگارنده این سطور نام ۱۳۷ فرهنگ لغت فارسی را که در هندوستان تألیف شده و نیز نام ۱۱۵ کتاب تذکره و شرح حال بزرگان آن دیار را در کتاب خود با عنوان *یادگار هندوستان* گرد آورده که هر یک به‌نحوی در تدوین فرهنگ و تاریخ هند بسیار مؤثر بوده‌اند. در نهایت در میان کتاب‌هایی از این دست، گاهی به کتاب‌هایی مانند کتاب *تحقیق ماللهند ابوریحان بیرونی* برمی‌خوریم که به حق معرفت فرهنگ هندیان به جهان است و گوشه‌هایی از خدمات ایرانیان عاشق هند را بسط داده و توصیف کرده است.^{۱۱} کتاب *تحقیق ماللهند در حقیقت دایرةالمعارفی* است در ۸۰ باب، دربارهٔ بسیاری از مباحث علمی و دینی هندیان.

۴- نظامیه‌ها^{۱۲} نخستین مدارسی بودند که در آن‌ها برای دانشجویان مقرری تعیین شده بود و به‌طور شبانه‌روزی اداره می‌شدند. از طریق همین نظامیه‌ها بود که فرهنگ ایران‌زمین، عرفان و تصوف و به‌ویژه اشعار شاعران فارسی‌زبان توانست تأثیر شگرفی بر فرهنگ و مذاهب هندی بگذارد و مراکز مهمی هم‌چون لاهور (در دوره غزنویان) کانون انتشار زبان، ادب و فرهنگ ایرانی شود و شکی نیست که دانش‌آموختگان این نظامیه‌ها - که در حقیقت قدیمی‌ترین دانشگاه‌های شبه‌قاره هم محسوب می‌شدند - سهم زیادی در شکل‌گیری و گسترش تاریخ و فرهنگ هندوستان داشته‌اند.

۵- وجود هنرمندان فارسی‌زبان، اعم از شاعر، نویسنده، ادیب، نقاش و معمار و مهندس، خطاط و موسیقی‌دان که با لشکر محمود غزنوی به هندوستان می‌رفتند و



تجلیات هنرهای آنان هنوز هم در آن سرزمین زینت‌بخش بناها و موزه‌های آن سامان است، نقش بسیار مهمی در تدوین فرهنگ و تمدن هند داشته‌است.

۶- آموزش‌های عرفانی فارسی‌دانان که صورت مکتوب آن در قالب متن‌های عرفانی فارسی به‌وسیله عارفان بزرگ خطه هندوستان تدوین شده است^{۱۳} هم از دیگر منابع تأثیرگذار در تعالی فرهنگی و اخلاقی هندیان بوده است. کتاب شریف فارسی کشف‌المحجوب^{۱۴} تألیف علی‌بن عثمان هجویری معروف به حضرت داتا گنج‌بخش، یکی از معتبرترین متون مشور عرفانی فارسی محسوب می‌شود و در حکم دائرةالمعارفی برای عرفان‌پژوهان و معرفت‌دوستان در چهارقرن نخستین اسلامی به‌شمار می‌رود و بی‌شک در رشد و تعالی و گسترش اخلاق در میان توده‌های مردم و در نتیجه گسترش فرهنگ مردمی، بسیار سودمند و تأثیرگذار بود؛ تا بدان‌جا که باید گفت تسخیر قلب و نفوذ تربیت‌های اخلاقی و انسانی و فرهنگی در دل توده‌های مردم کوچه و بازار به‌وسیله همین صوفیان و عارفان پاک‌نهاد به انجام رسیده است. سروده‌ها، کلمات قصار و سخنان دل‌نشین عارفان فارسی‌گوی و فارسی‌نویس خطه هندوستان همواره ورد زبان مریدان مخلص و پاک‌باخته آنان بوده و بیش‌ترین تأثیر مثبت را در روح، روان، اخلاق، رفتار و نیز فرهنگ مردمی هندیان داشته است.

۷- اسناد معتبری وجود دارد که نشان می‌دهد دو کشور ایران و هند در گذشته روابط بسیار نزدیکی با هم داشته‌اند. هدیه‌هایی که از ایران به هند فرستاده می‌شد، سهم مهمی در تدوین فرهنگ و تمدن هند داشته است. نمونه این راه‌آوردها، «بازی نرد» است که برپایه معتبرترین اسناد تاریخی و ملی ایران یعنی شاهنامه فردوسی، بزرگمهر، وزیر فرزانه انوشیروان، در ایران آن را ابداع کرده؛ سپس به‌عنوان هدیه و به‌همراه نامه‌ای برای رای هندوستان فرستاده است. یکی از عنوان‌های شاهنامه فردوسی چنین است: «ساختن بوزرجمهر نرد» را و فرستادن نوشیروان آن را با نامه‌ای نزد رای هند^{۱۵} و سپس چنین می‌خوانیم:^{۱۶}

ز گنج شهنشاه کردند بار
 چو شد بارهای شتر ساخته
 فرستاده رای را پیش خواند
 یکی نامه بنوشت نزدیک رای
 دگر گفت کای نامور رای هند
 کنون آرد این موبد هوش مند
 شتروار بار گران دو هزار
 نهادیم بر جای شطرنج، نرد

بشد کاروان از در^{۱۷} شهریار
 دل شاه از آن کار پرداخته
 ز دانش فراوان سخن‌ها براند
 پر از دانش و رامش و هوش و رای...
 ز دریای قنوج سا پیش سند
 به قنوج نزدیک رای بلند
 پسندیده چیز از درِ یادگار
 کنون تا به بازی که آرد نبرد

۸- آثار و اماکن باستانی به‌جا مانده از دوره حکومت ایرانیان در شبه‌قاره و مشارکت ایرانی‌ها در توسعه و رواج فرهنگ و معرفت، همه از عوامل عمده تأثیر زبان فارسی و نقش ایرانیان در پیشبرد تمدن و فرهنگ در آن سرزمینند. آیا می‌توان این یادگاری‌های کهن و مثلاً بنای زیبای تاج محل را در شهر دید و عظمت دیرینه هند و نقش ایرانیان فارسی‌زبان و به‌دنبال آن توصیف‌های جان‌داری را که شاعران فارسی‌گوی در معرفی آن بنای زیبا سروده‌اند، به یاد نیاورد؟

۹- سروده‌های شاعران فارسی‌گوی در توصیف مظاهر فرهنگ و تمدن هند و شناسایی جاذبه‌های آن سرزمین، نقش به‌سزایی دارند که می‌توان برای تدوین فرهنگ و تمدن آن سرزمین از آن‌ها بهره گرفت و به آن‌ها استناد کرد؛ چه مضمون بسیاری از اشعار فارسی در توصیف هند، درحقیقت بیان فرهنگ آن دیار است؛ مثلاً هندوستان را سرزمین عشق و عرفان دانسته‌اند؛ تا آن‌جا که آتش عشق حتی از خاکستر این «شعله‌ستان» هم زبانه می‌کشد و معشوق بر سر مرده عاشق و در شرار عشق او می‌سوزد:



آتش عشق ز خاکستر هند است بلند زن در این شعله‌ستان بر سر شوهر سوزد
(یادگار هند: ۱۶۰)

زبان فارسی همواره معرّف و مروج باورها، و اعتقادات و به‌طور کلی فرهنگ
مردم هندوستان بوده است:

جان فدای دوست کن، کم زان زن هندو نشی کز وفای شوی، در آتش بسوزد خویش را
(همان)

و یا به قول صائب:

چون زن هندو کسی در عاشقی مردانه نیست سوختن بر شمع کشته، کار هر پروانه نیست
(همان)

به گفته شاعران پارسی‌گوی، هند مهد فرهنگ، هنر، هنرمندان و هنرپروران است
و فضل و هنر اصیل در آن جاست:

در هند بود هنروران را شهرت شب روشنی چراغ پیدا باشد
(اشرف مازندرانی: ۷۳)

و یا:

هر که شد مستطیع فضل و هنر انانی و مطالب رفتن هند واجب است او را
(فیاض)

فارسی‌گویان، هند را سرزمین سخن و سخاوت دانسته‌اند و اهل آن دیار را مردمی
فرهنگ‌مدار و منبع سخن و معدن سخا پنداشته‌اند:

در آیه هندو بین رتبه سخا و سخن که منبع سخن و معدن سخا این جاست
(طالب آملی: ۷۷۹)

به هند جوهر یابند، قدر فضل شناس رواج گوهر دانش به مدعا این جاست
(طالب آملی: ۷۸۹)



شاعران پارسی‌گوی درزمینه معرفی فرهنگ هند حتی از امور جزئی مربوط به زیبایی‌های هند هم چشم‌پوشی نکرده‌اند و چندان در توصیف آن‌جا داد سخن داده‌اند که «عزم سفر هند» را آرزویی در سر هرکس دانسته‌اند:

یک سبزه بی‌نمک نبود در تمام هند گویی که هند را به نمک آب داده‌اند
(فیاض)

هم‌چو عزم سفر هند که در هر سر هست رقص سودای تو در هیچ سری نیست که نیست
(مقدمه فرهنگ صائب: ۴۱)

در پایان باید گفت تدوین فرهنگ و تاریخ هند بدون بهره‌گیری از همه منابع یادشده امکان‌پذیر نیست. نگارنده این سطور در طول سال‌های اقامتش در سرزمین هند، این توفیق را داشته تا از کتاب‌خانه‌های مربوط به نسخه‌های خطی در سراسر هند دیدن نماید. او به این حقیقت اعتراف می‌کند که نویسندگان و نیز شاعران پارسی‌گوی در دوران حکومت‌های اسلامی هند، خدمت‌های ارزش‌مندی به فرهنگ، تاریخ و تمدن هند کرده‌اند و گام‌های استواری در این راه برداشته‌اند. امید است با همکاری مسئولان گرامی هر دو کشور، چاپ و انتشار این اسناد گران‌قدر و گنجینه‌های ناشناخته کم‌نظیر، که همه به صورت نسخه‌های خطی در گوشه و کنار و محبس کتاب‌خانه‌های گاهی نمودار و محیط‌های نامناسب آن کتاب‌خانه‌ها - از کتاب‌خانه رضا رامپور و کشمیر در شمال تا گنجینه‌های ارزش‌مند حیدرآباد در جنوب هند- خاک می‌خورد و بی‌شک به دلیل این‌که محافظت و نگهداری فنی از آن‌ها نمی‌شود، در حال نابودی است، بر اعتبار فرهنگ و تمدن گران‌سنگ هر دو کشور بیفزاید.



پوست

فهرست بعضی از منابع فارسی که در هند منتشر شده است:

۱. معتمدخان میرزا محمد: *اقبالنامه جهانگیری*، ۳ جلد؛ ۲. ابوالفضل بن شیخ مبارک: *اکبرنامه*؛ ۳. بساون لال شادان: *امیرنامه*؛ ۴. ابوالفضل: *آئین اکبری*؛ ۵. محمد مشیر: *آئین حیرت*؛ ۶. عبدالرحیم خان خانان: *بابرنامه (ترجمه فارسی)*؛ ۷. عبدالحمید لاهوری: *پادشاهنامه*؛ ۸. منهاج‌الدین: *تاریخ آل چنگیز*؛ ۹. *تاریخ امیر تیمور*؛ ۱۰. شهاب‌الدین طالش: *تاریخ آسام*؛ ۱۱. مولوی ناظم‌الدی: *تاریخ اود*؛ ۱۲. میرزاابراهیم زبیری: *تاریخ بیجاپور* موسوم به *بساتین السلاطین*؛ ۱۳. *تاریخ بنای حیدرآباد*؛ ۱۴. منشی عبدالکریم: *تاریخ پنجاب یا پنجساب*؛ ۱۵. سیدعلی طباطبائی: *تاریخ برهان معاصر*، چاپ جامعه دهللی ۱۹۳۶م؛ ۱۶. شاه جهان بیگم: *تاریخ بهوپال*؛ ۱۷. میرزا مغول بیگ: *تاریخ تاج محل و مصارف تعمیر آن*؛ ۱۸. ملا نظام‌الدین احمد بخش: *تاریخ سلاطین دکن*؛ ۱۹. *تاریخ سلاطین دهللی منظوم*؛ ۲۰. محمد معصوم: *تاریخ سند*؛ ۲۱. نورالدین قاضی سیدعلی: *تاریخ عادل شاه*؛ ۲۲. احمد یادگار: *تاریخ شاه* معروف به *تاریخ سلاطین افغانه*؛ چاپ پبست، مسیون کلکته، ۱۹۳۶؛ ۲۳. منشی قادرخان بیدری: *تاریخ قادری*؛ ۲۴. شاه ابوتراب ولی: *تاریخ گجرات*؛ ۲۵. محمد زمان خان: *تاریخ چین*؛ ۲۶. عبدالعلیم نصرالله‌خان: *تاریخ دکن*؛ ۲۷. محمدقاسم هندوشاه: *تاریخ فرشته*؛ ۲۸. ضیاء‌الدین برنی: *تاریخ فیروزشاهی*؛ ۲۹. یحیی ابن احمد: *تاریخ مبارکشاهی*؛ ۳۰. تزک جهانگیری: *جهانگیرشاه*؛ ۳۱. بایزید بیات: *تذکره هماپور و اکبر*، کلکته ۱۹۴۱م؛ ۳۲. ملا فیروز بن کاوس: *چاچ‌نامه منظوم*؛ ۳۳. لجمی نور این شفیق: *خلاصه‌الهند*؛ ۳۴. دولت یار جنگ فدائی: *داستان ترک‌تازان هند*؛ ۳۵. غلامحسین خان: *سیرالمتأخرین*؛ ۳۶. محمدقادرخان بیدری: *سیر هند*؛ ۳۷. فاضل خان: *شاه‌جهان‌نامه*؛ ۳۸. محمدصالح کنبولاهوری: *شاه‌جهان‌نامه*؛ ۳۹. توکل بیگ: *شمشیر خانی*؛ ۴۰. نظام‌الدین بن احمد: *طبقات اکبری*؛ ۴۱. آخوند شیر: *حسن‌خان ضیای قمر*؛ ۴۲. ابومحمد: *طبقات ناصر*؛ ۴۳. محمد صادق: *طبقات شاه‌جهانی*؛ ۴۴. منشی محمدکاظم‌بن محمد امین: *هال‌مگیرنامه*، چاپ کلکته؛ ۴۵. غلامعلی نقوی: *عمادالسادات*؛ ۴۶. سوهن اهل: *عمده التواریخ*؛ ۴۷. *فتح‌نامه سند* معروف به *چچ‌نامه*؛ شایع کرده مجلس مخطوطات فارسی حیدرآباد؛ ۴۸. غیاث‌الدین محمد (متوفی ۹۴۲ هجری): *قانون هماپوری* معروف به *هماپورنامه*؛ ۴۹. کاوس جی: *قدیم نقش ایران*؛ ۵۰. عبدالرحیم: *کارنامه حسیدی*؛ ۵۱. محمد نجیب قادری: *کتاب‌الاعراس*؛ ۵۲. راجه در گاپرشاه: *گلزار هند*؛ ۵۴. داراشکوه: *لطائف‌الاخیار*؛ ۵۵. مستعدخان: *مأثر عالمگیری*؛ ۵۶. صمصام‌الدوله شاه نوازخان: *مأثر الامراء*؛ ۵۷. عبدالحق دهلوی: *مدارج‌النبت*؛ ۵۸. سیدعبدالقادر بدایونی: *متخب‌التواریخ*؛ ۵۹. عبدالغفور خان، والی جاوړه: *مجمع‌السلاطین*؛ ۶۰. *مفتاح‌التواریخ*؛ ۶۱. فرهنگی خان: *مرآت‌الزمان (تاریخ چین)*؛ ۶۲. سکندرن محمد عرف منجهو: *مرآت اسکندری (تاریخ گجرات)*؛ ۶۳. میرزا اسدالله غالب: *مهر نیمروز*؛ ۶۴. عاقل خان خانی: *واقعات*



عالمگیری: ۶۵. خواجه محمد اعظم شاه: واقعات کشمیر؛ ۶۶. وقایع بنگاله؛ ۶۷. نعمت خان عالی میرزا: وقایع کولکنده؛ ۶۸. محملین حکیم: وقایع نعمت خان عالی.

کتاب‌ها و داستان‌هایی نیز از ادبیات هندی به زبان فارسی برگردانیده شده که بعضی به صورت کامل و بخشی با تصرف و پراکنده چاپ و منتشر شده است و در زیر به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌کنیم:^{۲۶}

۱- کلیله و دمنه و به تبع آن کتاب‌هایی که ترجمه و یا به نحوی متأثر یا مقتبس از این کتاب است؛ مانند: اخلاق محتشمی، اخلاق ناصری، الادب الوجیز، الاوامر العلائیه، بختیارنامه، بزم و رزم، بستان العقول، تاج المآثر، تجارت الامم (فارسی)، تحفة الوزر، ترجمه محاسن اصفهان، ترجمه ملل و نحل، ترجمه یمینی، ترجمه الاعصار، التوسل الی الترسل، جهانگشای جوینی، چهار مقاله، درة الاخبار، راحة الصدور، رساله مناظره گل و مل، روضة اولی الالباب، روضة العقول، سمط‌العلی، سندبادنامه، عقد‌العلی، فرائد السلوک، مرزبان‌نامه، مرصادالعباد، المعجم فی آثار ملوک‌العجم، المعجم فی معاییر اشعارالعجم، معیارالصدق، مکارم اخلاق، منشآت متعجب‌الدین جوینی، منشآت عمیدالدین اسعد ایزری، نامه تنسر، نسایم الاسحار، نصیحة الملوک، نفقة المصدور، وسائل الوسائل^{۲۷}، داستان‌های بیدپای...؟

۲- طوطی‌نامه؛ ۳- مه‌بهارات؛ ۴- سندبادنامه؛ ۵- هزار و یک شب؛ ۶- داستان‌های پیرانا مانند باگات ملا، مرآت الحقایق، رامایانا؛ ۷- کاسرت ساگر که با نام دریای اسماء منتشر شده است؛ ۸- سنگ‌هاسن بتی سی، با همین نام و نیز با نام مفتاح‌القلوب به فارسی برگردانیده شده است؛ ۹- راجا بکرماجیت؛ ۱۰- کامروپ و کاملنا؛ ۱۱- قصه کلاکام؛ ۱۲- عشق کامروپ؛ ۱۳- منوهر و مدهو مالتی؛ ۱۴- شکستلا یا خانم مفقوده؛ ۱۵- بلوهر و جوزاسف از قصه‌های بودائی راج در هند؛ ۱۶- و کرم اروشی؛ ۱۷- جوک بشست؛ ۱۸- پلماوت؛ ۱۹- مینا لورک (یا عصمت‌نامه) ...

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پی‌نوشت‌ها

۱. اصغر، آفتاب: *تاریخ نویسی فارسی در هند و پاکستان و نیز لعل نهر: جواهر، کشف هند، صص ۲۴۷.*
۲. مقصود گورکانیان است.
۳. لعل نهر، جواهر: *کشف هند، صص ۲۴۷-۲۴۸.*
۴. ر.ک: مصطفوی سبزواری، رضا: «نقش بنیادی زبان فارسی در رشد و تکوین زبان هندی»
۵. ر.ک: شبلی، محمدصادق خان: «تأثیر زبان فارسی بر زبان اردو» مقدمه، ص ی.
۶. از نظر عرفا وجود ظلی، وجود تمام ممکنات است که ظل و نمونه و شرح فیض ذات حق‌اند. (کشاف، صص ۱۴۰۳).
۷. مولانا عبدالسلام ندوی: *شعر الهند*، ج ۱، ص ۳ به نقل از دکتر شبلی: «تأثیر زبان فارسی از زبان اردو».
۸. ر.ک: «نفوذ فارسی در شعر و ادب اردو» مجله هلال، کراچی، شماره اول، ص ۲۱.
۹. آریبری: *میراث ایران.*
۱۰. ر.ک: شبلی: «تأثیر زبان فارسی بر زبان اردو»، ص ۲۳۹.
۱۱. ر.ک: مصطفوی سبزواری: *یادگار هندوستان (سی و دو جستار درباره فرهنگ و تمدن شبه قاره هند)*، ص ۱۳۷ به بعد.
۱۲. از جمله قدیمی‌ترین دانشگاه‌های ایران به‌شمار می‌رود که به‌دستور نظام الملک (مقتول به سال ۴۸۵هـ.ق) وزیر دانش‌مند سلجوقیان در قرن پنجم ه.ق تأسیس شده بودند و در لاهور و ملتان نیز شعبه‌هایی از آن دایر شد. زبان فارسی و علوم اسلامی به‌ظاهر از جمله واحدهای درسی مهم مورد تدریس در نظامیه‌ها بودند.
- ۱۳- از این آثار تنها فهرستی از نام مؤلفان آنها با نام *آثار الاولیاء* (در ۷۰۰ صفحه، با قطع بزرگ) در لاهور منتشر شده است.
- ۱۴- میراث گرانبهایی برای کشور عزیز و برادرمان هندوستان محسوب می‌شود که همه آن‌ها سهم زیادی در رشد و تعالی فرهنگ و تمدن شبه قاره داشته است.
۱۳. این فهرست از کتاب *یادگار هند* تألیف نگارنده این سطور نقل می‌شود.
۱۴. *آثار اولیاء*، ترتیب و تدوین دکتر سید محمد اکرم اکرم.
۱۵. *شاهنامه فردوسی*، جلد ۵، ص ۲۱۳۲.
۱۶. همان، ص ۲۱۳۴.
۱۷. «ازدو» یعنی برازنده، شایان و لایق، فردوسی در جای دیگر می‌گوید:
فرستاد بر میمنه سی‌هزار
گزیده‌سوار ازدر کارزار
۱۸. قنوج: شهری در ناحیه فرخ‌آباد هندوستان واقع در ۵ میلی رود گنگ، در شمال‌شرقی کانپور.



- فرخی ضمن مرثیه‌سراییی دربارهٔ سلطان محمود غزنوی می‌گوید:
- خیر شاها که به قَنوج سپه گرد شده است روی زان سونه و بر تارکشان آتش بار
۱۹. گلچین معانی، احمد: فرهنگ اشعار صائب.
۲۰. همان: کاروان هند.
۲۱. اصغر، آفتاب: تاریخ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

- آربری: *میراث ایران*، ترجمه احمد بیرشک، تهران: [بی تا]، ۱۳۳۶.
- اصغر، آفتاب: *تاریخ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان*، لاهور: خانه فرهنگ لاهور، ۱۳۶۴.
- اکرم، سید محمد اکرم: *آثار الاولیاء*، لاهور: کلیه علوم اسلامیة و شرقیة پنجاب یونیورسٹی، ۱۳۲۷هـ / ۲۰۰۰م.
- جواهر لعل نهرو: *کشف هند*، ترجمه محمود تفضلی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۷.
- شبللی، محمد صادق خان: «تاثیر زبان فارسی بر زبان اردو»، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۷۰.
- فردوسی، ابوالقاسم: *شاهنامه*، ج ۵، به کوشش دکتر دبیرسیاقی، تهران: چاپ‌خانه علمی، ۱۳۳۵.
- مصطفوی سبزواری، رضا: «نقش بنیادین زبان فارسی در رشد و تکوین زبان هندی»، تهران: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱ تا، ۱۳۷۳.
- _____ : *یادگار هندوستان (سی و دو جستار درباره فرهنگ و تمدن شبه قاره هند)* تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۸۲.
- ندوی، مولانا عبدالسلام: *شعرالهند*، ج ۱.
- «نفوذ فارسی در شعر و ادب اردو»، مجله *هلال کراچی*، شماره اول، [بی تا].
- گلچین معانی، احمد: *فرهنگ اشعار صائب*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۴.
- _____ : *کاروان هند*، (ج۲)، مشهد: آستان قدس، ج اول، ۱۳۶۹.

